



پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۴ صفحه ۲۰ هزار تومان • سال چهارم • شماره ۷۶۳
www.hammihaonline.ir

گزارش
سیاست
۴-۵

بررسی مواضع اصولگرایان در قبال گفت وگوهای ایران و آمریکا

مذاکره از نگاه راست

چهره
روز
۱۶

تتلو در برزخ

گفت وگو با وکیل امیرحسین مقصودلو
درباره اظهارات دیروز سخنگوی قوه قضائیه
که از صدور حکم اعدام او و عدم ابلاغ آن خبر داد

نگاه
هم‌میان

پس هر روز مردی را کُشم...

داستان مشهور مولانا درباره مردی که مادر خود را برای کاری که به‌زعم خودش عار و ننگ است می‌کشد، فارغ از جنبه‌هایی از آن که با عقل و عرف امروز همخوانی ندارد، حکایت عمیقی است که بعد از قرن‌ها هم می‌توان از آن استفاده کرد. در این داستان که در دفتر دوم آمده است، یکی از پسر می‌پرسد چرا مادر را کشتی؟ و پسر می‌گوید که با مردی او را دیده، می‌پرسد پس چرا مرد را نکشتی و پسر می‌گوید آن وقت هر روز باید یکی را می‌کشتم. «گفت: آن کس را بگشای مَکْشُم / گفت: پس هر روز مردی را کُشم». بعدتر مولانا مادر را به نفس تشبیه می‌کند و می‌گوید: «نَفْسِ توست آن مادر بد‌خاصیت / که فساد اوست در هر ناحیت / هین بگش او را که به‌ر آن ذنی / هر دمی، قصد عزیزی می‌کنی». خبر حکم اعدام تتلو که آمد، سوای اینکه برای خطایش ابتدا به ۵ سال حبس محکوم شد و بعدتر حکمش اعدام شد، خاطرم به این حکایت مولانا رفت. آن خطا و حکمش مسئله ای فقهی است و مورد بحث این یادداشت نیست. مسئله این یادداشت تتلو به‌عنوان شخصیتی هنری و پدیده‌ای فرهنگی است. به فرض که شما شیوه زیست و فکر تتلو را فاسد بدانید و عالم خراب‌کن و او را از صحنه روزگار محو کنید، با ساسی‌مانکن‌ها، بلائیدیت‌ها، آیسان‌ها و... چه می‌کنید؟ نمی‌دانم تصمیم‌گیرندگان چنین احکامی تا به حال نگاه‌ها به آمار بازدید تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی کرده‌اند که ببینند آمار بینندگان ویدئوهای ساسی و تتلو در پلتفرم‌های فیلترشده یک به یک رکورد بازدید را شکسته‌اند؟ این را می‌دانند که وقتی تتلومی گفت تتلیتی‌ها «بع‌بع» کنند، رکورد کامنت در اینستاگرام جابه‌جا شد. فرض بگیریم که بعد از تتلو، ساسی و همه این دست افراد هم از دنیا محو شدند، آیامیلیون‌ها طرفداری که از نوجوان تا مردوزن جافانده دارند از فردای حذف آنها، همه «چهار فصل و بوالدی» گوش می‌کنند و «همایون مشنوی» محمدرضا شجریان؟ می‌دانم آن‌ها هم باب طبع فرهنگ رسمی ساخت سیاسی نیست، در نهایت مایلند که همه ایرانیان مخاطب برنامه «جعبه سیاه» باشند، ولی با حذف و فیلتر تا به حال توانسته‌اند



علی ورامینی
دبیر گروه فرهنگ



طرفداران شبه علم و پاندمی

گفت وگو با عباس عبدی
به مناسبت انتشار کتاب «کرونا: آزمون آزمون‌ها»



گزارش
دیپلماسی
۶-۷

نیاز خاورمیانه به گفت وگو

تحلیل اندیشکده کارنگی
از پیامدهای فقدان ساختار همکاری امنیتی در منطقه



حفظ انحصار نفتی

گفت وگو با علی نقوی مدیرعامل بورس انرژی
درباره ترک فعل برخی از مقامات دولتی



تهران در محاصره ۵۵ بحران

پژوهش‌ها نشان می‌دهد آمارهای رسمی میزان بافت فرسوده کمتر از ارقام واقعی است

سرمقاله

درباره یک انتصاب؛ راهبرد و کارگزار

انتصاب آقای اسماعیلی به‌جای آقای دبیری وظریف با زتاب زیادی داشت که نیازمند توجه بیشتری است. این بازتاب گسترده چند علت داشت. یکم و مهمتر از همه، انتشار خبر انتصاب و تکذیب اولیه آن بود. متأسفانه ورود فضای مجازی در گفت وگوها و خبررسانی‌ها موجب شده که پیش از قطعی شدن یک واقعه یا تصمیم، خبر آن نقل شود و خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها نیز برای عقب نیفتادن و بدون توجه کافی به اصول حرفه‌ای آن را منتشر کنند، و از آنجا که آن خبر هنوز قطعی نشده است بازتاب منفی پیدا می‌کند و اگر مرجع مربوطه تکذیب کند، یک مشکل است. اگر هم تکذیب نکنند، مشکل دیگری است. مطابق شنیده‌ها از شورای اطلاع‌رسانی دولت تصمیم نهایی درباره انتصاب آقای اسماعیلی تقریباً معلوم شده بود، البته تا قطعی و رسمی شدن این تصمیم از سوی آقای رئیس‌جمهور و صدور حکم چند روزی باقی مانده بود که در این فاصله دو خبرگزاری وابسته به دولت خبر آن را به‌صورت قطعی اعلام کردند که این اقدامی نادرست بود و تکذیب شد. در ادامه باطلی شدن مراحل اداری حکم انتصاب هم صادر شد؛ ولی تصور جامعه از این وضع نوعی نابسامانی در نظام تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی است. در هر صورت، انتشار اخبار بدون رعایت ضوابط حرفه‌ای، مسئولیت‌آور است و همکاران رسانه‌ای باید توجه نمایند. دولت هم باید نظم و نسق بیشتری را در اطلاع‌رسانی خود ایجاد کند. علت دوم انتساب جناحی آقای اسماعیلی به مجموعه اصولگرایان به‌ویژه با توجه به حضور وی در شورای نگهبان است. جایگزینی او به‌جای آقای ظریف می‌توانست معنای دیگری فراتر از یک جایگزینی عادی داشته باشد. در این مورد بهتر است که به دو نکته توجه کرد. دولت و شخص پزشکیان را نباید در قالب‌های مرسوم جناح‌بندی‌های سیاسی تحلیل و نتیجه‌گیری کرد. از نظر او، مسئله به گونه دیگری است. به‌علاوه، آقای اسماعیلی را هم نباید در این چارچوب تحلیل کرد. وی شخصیت مستقلی دارد و این استقلال را هم در عملکرد خود نشان داده است. نکته مهمتر رویکرد دولت در مورد معاونت راهبردی است. این معاونت در اصل پیشنهاد آقای ظریف بود و شاید اگر حضور ایشان نبود، این معاونت در این دولت تصویب نمی‌شد. البته پیشتر و در دولت‌های روحانی و رئیسی، این جایگاه با عنوان مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری بود که در دولت آقای پزشکیان، جایگاه ریاست آن به معاونت راهبردی رئیس‌جمهور ارتقا داده شد و انتظار می‌رود که با آمدن آقای اسماعیلی دوباره به همان جایگاه پیشین خود برگردد. آقای پزشکیان از گسترش نهادهای اداری پرهیز دارد که کار قابل دفاعی است. با این توضیحات، به نظر می‌رسد که با توجه به پیشینه آقای اسماعیلی، ایشان بیش از اینکه به‌جای آقای ظریف آمده باشد، به‌جای آقای دبیری آمده است و چون قصد انتصاب فرد مستقلی برای معاونت راهبردی نبوده و همچنین نمی‌خواسته‌اند که این معاونت را هم منحل کنند، هر دورا ادغام و آقای اسماعیلی را منصوب کرده‌اند. امر سیاسی دو وجه مهم دارد. راهبردها و سیاست‌ها و کارگزاران. این دو وجه درهم‌تنیده هستند. هر راهبرد و سیاستی را با هر کارگزاری نمی‌توان اجرایی کرد و پیش‌برد. در نقطه مقابل نیز هر کارگزاری هم تن به هر راهبرد و سیاستی نمی‌دهد. ولی در میان این دو موضوع اولویت اول و حساسیت بیشتر را باید به راهبردها و سیاست‌ها داد و کارگزاران در درجه دوم اهمیت قرار دارند. دست مدیران باید در انتخاب کارگزاران بازتر باشد تا در برابر عملکرد خود پاسخگو باشند. متأسفانه در فضای سیاسی ایران این مسئله بر عکس است و نسبت به انتصاب کارگزاران حساسیت فراوان است؛ درحالی‌که باید راهبرد و سیاست را ملاک قرار داد. با این ملاحظات، شاید بتوان گفت که آقای اسماعیلی به لحاظ راهبرد مورد نظر آقای پزشکیان گزینه مناسبی هستند و باید از او دفاع و حمایت کرد و امیدوار بود که در هر دو پست خود موفق باشند.

گزارش
دولت
۲-۳

چرخش راهبردی در دولت؟

سپردن پست سابق محمدجواد ظریف
به محسن اسماعیلی سوالات زیادی را برانگیخته است